اقتصادهای نوپای بالتیک

شمیرانی، ماندا

سه جمهوری حوزه دریای بالیتک یعنی‏ استونی( ESTONIA )،لاتوی‏ ( LATVIA )و لیتوانی( LITHUANIA )، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی‏ سابق و در حالیکه با میراث پنجاه سال‏ اقتصاد متمرکز و برنامه‏ریزی شده مواجه‏ بودند،درصدد برآمدند تا اقتصادهایی‏ رقابتی و بازارگرا پدید آورند.

این کشورها در جهت دستیابی به هدف‏ خود علاوه بر متحمل شدن مشکلات‏ اقتصادی فراوان از قبیل کسری حساب‏ جاری،تورم،کمبود درآمدهای دولت و بی‏ ثباتی،که از ویژگی‏های اقتصادهای‏ در حال انتقال است با دو شوک خارجی‏ بزرگ نیز روبرو شدند.اول آنکه با فروپاشی‏ اتحاد جماهیر شوروی در سال 91-1990 بخش مهمی از صادرات خود را از دست‏ دادند و دوم اینکه روسیه با افزایش قیمت‏ نفت و سایر مواد خام صادراتی خود به این‏ کشورها در سال 1992 ضربه دیگری به‏ اقتصاد نوپای آنها وارد آورد.

با این حال،این سه کشور کوچک، با تلاش و برنامه‏ریزی فراوان‏ و نیز با بهره‏گیری از کمکهای صندوق‏ بین المللی پول( IMF )،بانک جهانی‏ ( WB )،بانک اروپایی ترمیم‏ و توسعه( EBRD ) و جامعه اروپا( EC ) در طراحی،برنامه‏ریزی و اجرای‏ سیاستهای تجدید ساختار اقتصاد خود، بزودی دوران انتقال خود را پشت‏ سر خواهند گذاشت.

عمده‏ترین حرکت این کشورها در جهت‏ مهار تورم و ایجاد ثبات کلان اقتصادی بوده‏ است.آزادسازی قیمتها طی چند سال‏ اخیر موجب افزایش افسار گسیخته‏ قیمتها شده بود.برای کنترل و کاهش‏ تورم،این کشورها سعی نمودند تا تقاضای‏ کل(مصرف)را محدود نمایند.بدین‏ منظور سیاستهای پولی افزایش نرخهای‏ بهره به سطحی بالاتر از نرخ تورم،کاهش‏ اعتبارات اعطایی بانک مرکزی به‏ بانکهای تجاری و شرکتها و نیز کاهش‏ تامین مالی کسری بودجه دولت توسط بانک مرکزی را در کنار سیاست مالی‏ کاهش کسری دولت،اتخاذ نمودند.البته‏ این کشورها در راستای مهار تورم تنها به‏ سیاستهای کلان اقتصادی بسنده‏ نکردند و سیاستهای ساختاری و رفروم‏های‏ قانونی و سازمانی،همچون آزادسازی‏ نرخهای بهره،کاهش سوبسیدها، تغییر سیستم مالیاتها و مخارج و وضع‏ و اجرای قوانین ضدانحصاری را نیز در دستور کار خود قرار داده‏اند.کشورهای‏ بالتیک به منظور محدود کردن کسری‏ حساب جاری تراز پرداختهای خود،نرخ‏ ارز را به سطح واقعی ان انتقال‏ داده‏اند که تا از یکسو تقاضای داخلی‏ از کالاهای وارداتی به کالاها و خدمات‏ داخلی تغییر جهت دهد و از سوی‏ دیگر تولیدات صادراتی نسبت به تقاضای‏ خارجی حساس‏تر شوند،علاوه‏بر آن‏ کشورهای مذکور بسیاری از محدودیت‏ها و موانع تجاری را نیز لغو کرده‏اند.

خصوصی‏سازی شرکتهای دولتی‏ و تدوین قوانین تجاری جدید در جهت‏ حمایت و تضمین دارایی‏های خصوصی‏ نیز،رفته رفته از دخالت‏ دولتها در سرمایه‏گذاری و تولید و بطور کلی‏ اقتصاد می‏کاهد که این‏ خود می‏تواند کارائی و رقابت‏پذیری‏ در تولید را افزایش دهد.

دولتها در این کشورها می‏کوشند تا با جلب‏ اطمینان و ایجاد جو اعتماد،مشارکت فعال‏ اجزای بازار یعنی تولیدکنندگان، مصرف‏کنندگان،پس‏اندازکنندگان‏ و سرمایه‏گذاران را ترغیب نمایند به‏طوری‏ که نسبت به تغییر قیمتهای بازار،نرخهای‏ بهره و ارز به روشنی واکنش نشان دهند.

دولتهای استونی،لاتوی و لیتوانی به‏ خوبی می‏دانند که ثبات کلان اقتصادی‏ و تغییرات ساختاری لازمه افزایش‏ پایدار سطح زندگی در سالهای آتی‏ می‏باشند.

اکنون در این جا به تفصیل سیاستهای‏ اقتصاد کلان و رفرم‏های ساختاری‏ در کنار تغییرات نظام‏های سازمانی‏ و حقوقی در این سه کشور مورد بررسی‏ قرار می‏گیرند.

\*استونی

استونی با بیش از یک میلیون‏ و ششصد هزار نفر جمعیت،رسما در سال‏ 1991 استقلال خود را اعلام کرد و در 26 می‏ 1992 به عضویت سازمان ملل و صندوق‏ بین المللی پول درآمد.پس از آن دولت‏ تالین( TALLINN -پایتخت‏ استونی)واحد پول کشور را از روبل به کرون‏ استونی( EEK )تغییر داد(20 جون سال‏ 1992).

اقتصاد این کشور تا پیش از جنگ جهانی‏ دوم بر پایه کشاورزی بوده است.پس‏ از اتخاذ سیاست صنعتی شدن توسط اتحاد شوروی در دهه‏های 1950 و 1960، رفته رفته از اهمیت کشاورزی‏ در اقتصاد کاسته شد و صنعت جایگزین آن‏ گردید.بطوریکه در اواخر دهه 1980،بیشتر درصد تولیدکنندگان،3/2 از کل محصولات‏ صنعتی را تولید می‏کردند.البته باید توجه‏ داشت که این روند صنعتی شدن‏ تنها با وابستگی شدید به اتحاد شوروی‏ ممکن شده بود زیرا این کشور بخش‏ عمده‏ای از مواد اولیه خود را از سایر جمهوری‏های اتحاد شوروی وارد می‏کرد و تا سال 1987 نیز دقیقا 87 درصد از کل‏ تجارت خارجی آن با همان جمهوری‏ها بوده است.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استونی با کاهش تولید ناخالص داخلی‏ مواجه شد،بطوریکه تولید ناخالص داخلی‏ واقعی در سال 1990،4 درصد کاهش‏ یافت.این رقم برای سالهای 1991 و 1992 به ترتیب 12 و 25 درصد کاهش‏ را نشان می‏دهد.اما از آوریل سال 1993 اقتصاد استونی رونق خود را از سر گرفت.

تا آنجا که تولید ناخالص داخلی در سال‏ 1995 حدود 2 تا 3 درصد رشد داشته است.

مهترین سیاستهای اقتصاد کلان که‏ دولت استونی پس از استقلال اتخاذ کرد عبارتند از:

\*سیاست پولی انقباضی،محدود کردن‏ حجم اعتبارات بانکها و معرفی پول‏ جدید(کرون استونی EEK ).

\*سیاست مالی انقباضی به‏ منظور افزایش درآمدهای دولت بوسیله‏ مالیاتها.در این زمینه دولت استونی برخی‏ مالیاتهای جدید وضع کرد و نرخ بعضی‏ از مالیاتهای قبلی را نیز افزایش داد.به‏ عنوان نمونه این کشور نرخ مالیات ارزش‏ افزوده( VAT )را از 10 درصد تا 18 افزایش‏ داد.از انواع دیگر مالیات می‏توان به مالیات‏ بر درآمد(26 درصد)،مالیات زمین(5/0) و مالیات بیمه اجتماعی اشاره کرد.

\*سیاستهای ارزی و بوجود آوردن‏ اطمینان به کرون استونی در بازارهای‏ ارز.بانک مرکزی استونی نرخ رسمی کرون‏ را نسبت به مارک آلمان تثبیت کرده است‏ که نرخ آن از زمان رواج کروه جدید یعنی 20 جون سال 1992،8 کرون استونی‏ در مقابل 1 مارک آلمان می‏باشد.البته‏ هرگونه تغییر ارزش کرون در مقابل مارک‏ باید ابتدا توسط پارلمان استونی‏ ( RIIGIKOGU )تصویب شود.در استونی‏ تبدیل ارزها به یکدیگر آزاد است که البته‏ تبدیل کرون به سایر ارزها به بانکهای‏ تجاری واگذار شده است.

\*سیاستهای درآمدی،دولت به‏ منظور کنترل تورم دستمزدها و از بین بردن‏ انتظارات تورمی-که در زمان آزادسازی‏ قیمتها رواج پیدا کرده بود-و همزمان با آن‏ برای جلوگیری از سقوط قدرت خرید مردم، دست به اقداماتی زده است تا از نوسانات‏ شدید مزد حقیقی جلوگیری نماید.

از عمده‏ترین تعدیلات ساختاری که‏ استونی به آنها دست زده است نیز می‏توان‏ به موارد زیر اشاره نمود:

\*آزادسازی قیمتها.این روند از سه ماهه‏ آخر سال 1991 آغاز شد و تا سال 1992 تقریبا همه انواع کنترل بر قیمتها کنار رفتند.این اقدام پیش از همه بر قیمت‏ داخلی انرژی گذارد و اثر آن از افزایش‏ قیمت کالاهای وارداتی تا مصرف‏کنندگان‏ نهایی امتداد یافت،بطوریکه قیمت خرده‏ فروشی بنزین و سوختهای دیزل تا پایان‏ سال 1992 نسبت به سال قبل تا 70 برابر افزایش یافته بود.

\*تغییرات قوانین تجارت خارجی‏ و امور ارزی.طبق قوانین جدید استونی، همه شرکتها صرفنظر از ساختارشان‏ می‏توانند اقدام به تجارت خارجی‏ نمایند.شرکتهای دولتی نیز در این زمینه‏ مانند شرکتهای خصوصی‏ هستند و از هیچگونه حقوق ویژه و یا منافع‏ خاص ناشی از صادرات و یا واردات‏ برخوردار نییستند.البته در این زمینه‏ تنها صنعت فلز استفاده می‏باشد و صادرات فلزات اسقاطی تنها توسط شرکتهای دولتی انجام می‏شود.دولت‏ انتظار دارد این محدودیت نیز بزودی‏ لغو شود.

از مارس سال 1993 تمام‏ شرکتها نیز اجازه یافتند تا حسابهای ارزی‏ هم در داخل کشور و هم در خارج داشته‏ باشند.دولت استونی تمامی تعرفه‏ها و سایر محدودیت‏های وارداتی‏ را نیز لغوکرد و معیار استاندارد کالاهای‏ وارداتی را استانداردهای ISO قرار داد.

تا سال 1995 بزرگترین طرفهای تجاری‏ استونی،کشورهای فنلاند،روسیه،آلمان‏ و سوئد بوده‏اند و کالاهای مورد مبادله‏ نیز بیشتر محصولات معدنی،ماشین‏آلات‏ و تجهیزات و منسوجات بوده‏اند.

\*کاهش سوبسیدها.دولت استونی‏ تقریبا تمامی سوبسیدهای مستقیم‏ کشاورزی را لغو کرد و در حال حاضر تنها موردی که از سوبسید مستقیم‏ بهره‏مند می‏شود بخش حمل‏ونقل‏ عمومی است.

از سایر تغییرات سازمانی و حقوقی‏ استونی نیز می‏توان تصویب قوانین جدید در زمینه‏های ورشکستگی(پائیز سال‏ 192)،رقابت،رهن و وام،تنظیم‏ قراردادها(تصویب و اجرا از سال 1993) و ایجاد کد اقصادی یا BUSINESS CODE (سال 1994)و تصویب قوانین‏ مربوط به دارایی‏های خصوصی را نام‏ برد.اما مهمترین تغییری که‏ در ساختار سازمانی تجارت استونی روی‏ داد،خصوصی‏سازی می‏باشد.قانون‏ خصوصی‏سازی در جولای سال 1993 تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد.خصوصی‏ سازی به صورت مزایده،حراجهای‏ عمومی یا محدود و عرضه عمومی سهام‏ اجرا شد.در حال حاضر روند خصوصی کردن‏ شرکتهای کوچک تقریبا به اتمام رسیده‏ است.طی سالهای 1991 تا 1994 تقریبا تمام شرکتهای کوچک دولتی‏ (در حدود 1500 شرکت)که عمدتا در زمینه‏های خدمات و بازرگانی فعالیت‏ می‏کردند در حراج به فروش رفتند.

خصوصی‏سازی کمپانی‏های بزرگ‏ نیز در سال 1991 آغازشد،تا اینکه‏ در نوامبر سال 1992،اولین مزایده‏ بین المللی برای 38 کمپانی اعلام شد.این‏ روند همچنان ادامه یافت تا اینکه در سال‏ 1995 و تنها طی نیمه اول سال،131 کمپانی دیگر نیز بفروش رفتند.اکنون دولت‏ استوتی درصدد فروش(خصوصی‏سازی) چندین شرکت بزرگ در زمینه‏های‏ زیربنایی است.عمده‏ترین‏ بخشها عبارتند از:بخش تولید نیرو، ارتباطات،راه‏آهن و بنادر،که البته‏ خصوصی‏سازی آنها به شکل مزایده‏ انجام خواهد شد.

\*لاتوی

لاتوی با بیش از دو میلیون‏ و هفتصد هزار نفر جمعیت پس از فروپاشی‏ اتحاد جماهیر شوروی،درسال 1991 استقلال خود را اعلام کرد و در 19 می سال‏ 1992 به عضویت صندوق بین المللی‏ پول درآمد.

لاتوی پس از جنگ جهانی اول تا پیش‏ از تهاجم روسها به این کشور در سال 1940، دارای اقتصادی مبتنی بر بازار بوده است.

در آن زمان بیشتر تجارت خارجی لاتوی‏ با کشورهای اروپای غربی بوده و پول مالی‏ آن قابل تبدیل به سایر ارزها بوده است.

گرچه اقتصاد این کشور عمدتا بر پایه‏ کشاورزی بنا شده بود اما رفته رفته بخش‏ صنعتی پیشرفته نیز در حال شکل‏گیری‏ بود.

پس از تسلط روسها بر دولت‏ ریگا( RIGA -پایتخت لاتوی) ساختار اقتصادی این کشور طی دهه‏های‏ 1940 و1950 به سرعت دگرگون شد و ملی‏سازی در ابعاد وسیع به وقوع پیوست‏ بطوریکه تا چند دهه بعد سیستم اقتصاد لاتوی کاملا مانند سایر جمهوری‏های‏ شوروی شده بود.در این دوران،سهم عمده‏ ای از صنایع سنگین برای مقاصد نظامی‏ و تسلیحات اختصاص یافته بود که آن هم‏ کالا به مواد خام وارداتی‏ از سایر جمهوری‏های اتحاد شوروی وابسته‏ بود و این در حالی بود که همین‏ جمهوری عمده بازار صادراتی لاتوی‏ را تشکیل می‏داند.بدین ترتیب تا سال‏ 1987،حدود 87 درصد از تجارت خارجی‏ این کشور با سایر اعضای اتحاد شوروی‏ انجام می‏گرفت.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی،مقامات‏ لاتوی دست به ایجاد تغییرات زیادی‏ در اقتصاد این کشور زدند.پارلمان این‏ کشور قوانینی در مورد موسسات مالی ملی‏ و تجارت خارجی تصویب کرد.تشکیل‏ مزارع خصوصی بلامانع اعلام شد.تجارت‏ و خدمات در سطح خرده‏پا به سرعت‏ رشد کرد،بانکهای شراکتی تشکیل‏ شدند و حق تملک انواع دارایی‏های‏ خصوصی محفوظ اعلام شد.

با این حال اثرات پنج دهه برنامه‏ریزی‏ متمرکز هنوز گریبانگیر اقتصاد لاتوی‏ است.در حال حاضر اقتصاد این کشور مواجه‏ با عدم کارایی در تولید و نابرابری‏های‏ فزاینده در بعد کلان اقتصاد می‏باشد.

وضعیت اقتصادی لاتوی رفته رفته‏ بدتر شد تا آنکه تولید ناخالص داخلی‏ واقعی در سال 1992،حدود 33 درصد کاهش یافت.از بین رفتن بازارهای‏ صادراتی نیز موقعیت اقتصادی این‏ کشور را در سال 1993 بیش از بیش‏ تضعیف نمود.

لاتوی به منظور ایجاد ثبات اقتصادی‏ برنامه‏های مختلفی را در پیش گرفت‏ سیاستهایی که این کشور در بخش کلان‏ اقتصاد خود اتخاذ نمود به شرح‏ زیر می‏باشند:

\*سیاست‏های پولی.بانک لاتوی ( THE BANK OF LATVIA ) از سپتامبر سال 1991،عملا به عنوان‏ بانک مرکزی کشور شروع به‏ کار نمود و در اولین قدم محدودیت‏های‏ زیادی بر اعطای اعتبارات خالص به دولت‏ از سوی سیستم بانکی اعمال کرد.

مقامات پولی لاتوی از 7 می سال‏ 1992،روبل لاتویابی LATVIAN ) ( RUBIE را به عنوان نقدینه اضافی‏ و جایگزین در کنار روبل روسی به جریان‏ انداختند.از جولای همان سال روبل‏ لاتویایی از روبل مجزا گشت و تنها پول‏ قانونی کشور شناخته شد.اما در 5 مارس‏ سال 1993،دولت پول ملی جدید( LAT ) را معرفی نمود و قرار شد تا از 25 جون همان‏ سال تمام قیمت‏گذاری‏ها برحسب این‏ پول انجام شود.

\*سیاست‏های مالی انقباضی.دولت‏ لاتوی به منظور تقویت بنیه مالی‏ کشور،از نیمه دوم سال 1992(از جولای) مالیاتهای جدیدی وضع نمود و در کنار آن‏ نرخ مالیات ارزش افزوده( VAT )و عوارض‏ وارداتی را افزایش داد بطوریکه بودجه‏ دولت در سال 1993 تقریبا متوازن بود.

\*سیاست ارزی.از بیستم جولای سال‏ 1992 که مقامات لاتوی،روبل لاتویایی‏ را جایگزین کردند،حجم صادرات این‏ کشور به سایر کشورها-که تا حدود 3/2 در سال‏ 1991 کاهش یافته بود-به سرعت‏ افزایش یافت و باعث شد که لاتوی‏ در سال 1992 با مازاد حساب جاری مواجه‏ شود.حتی زمانی هم که روبل لاتویایی‏ در مقابل سایر ارزهای قابل تبدیل تقویت‏ شد(اوایل سال 1993)حساب جاری‏ موازنه پرداختهای کشور باز هم مازاد داشت‏ و موجودی دارایی‏های رسمی کشور در سه‏ ماهه اول این سال افزایش یافت.

\*سیاست درآمدی.به منظور جلوگیری‏ از بوجود آمدن مارپیچ دستمزد-هزینه‏ دولت اعلام کرد که هرگونه افزایش‏ دستمزد یا حقوق باید همواره کمتر از نرخ‏ تورم باشد و مازاد آن مشمول مالیات‏ افزایشی آن هم با نرخهای‏ بسیار بالا خواهد شد.بدین ترتیب‏ همگامی که حداقل دستمزدها در اوایل‏ سال 1992،افزایش یافت،دولت توانست‏ با این سیاست درآمدی-مالیاتی، دستمزدها را تا پایان سال ثابت مگه دارد.

در کنار این سیاستها،لاتوی یک سری‏ تغییرات دیگری نیز در ساختار اقتصادی‏ خود ایجاد کرد که عمده‏ترین‏ آنها عبارتند از:

\*آزادسازی قیمتها.از جون سال 1992، محدودیت‏های موجود بر حاشیه‏ سود در تجارت خرده‏فروشی لغو شد.بدنبال‏ آن در ماه جولای محدودیت‏های مشابه‏ در بخش فرآورده‏سازی محصولات‏ کشاورزی برداشته شد.پس از آن حداقل‏ قیمت تضمین شده برای محصولات‏ کشاورزی(البته به جز غلات)همگی‏ حذف شدند.بدین ترتیب تا پایان سال‏ بیش از 92 درصد از کالاها و خدمات از کنترل‏ قیمت‏گذاری خارج شدند.

\*تغییرات در امور ارزی و قوانین تجارت‏ خارجی.لاتوی اساسا یک سیستم ارزی‏ آزاد را بوجود آورد.همین مسئله موجب‏ شد تا از زمان تصویب قانون(نوامبر سال‏ 1991)سرمایه‏ها دوباره به‏ کشور بازگردند.افراد حقیقی و حقوقی اجازه‏ یافتند تا هرگونه ارزی را در داخل چه به‏ صورت نقد و چه در حساب بانکی‏ و یا در خارج از کشور برای پرداختهای داخلی‏ در اختیار داشته باشند.شرکتها نیز مجاز شدند تا معاملات ارزی خود را یا از طریق بانکها و یا مستقیما با دلالان‏ ارز انجام دهند.

در اول جون سال 1991،دولت تمام‏ گواهی‏ها و سهمیه‏های صادراتی‏ را لغو کرد و آنها را با سیستم مالیاتهای‏ صادرات جایگزین نمود.برای واردات‏ نیز هیچگونه گواهی لازم نیست‏ و تنها بر برخی کالاهای مصرفی عوارض‏ واردات اعمال می‏شود.

\*کاهش پرداختی‏های بابت سوبسید.

این اقدام در قالب سیاست مالی انقباضی‏ و به منظور محدود کردن مخارج دولت انجام‏ پذیرفت.دولت پرداخت سوبسید و انتقالات خود را به ادارات دولتی متوقف‏ ساخت و بیشتر سوبسیدهای مصرفی‏ را نیز کاهش داد.انواع سوبسیدهای‏ مستقیم و غیرمستقیم بخش کشاورزی‏ نیز لغو شدند.

علاوه‏بر موارد فوق،دولت لاتوی برای‏ از بین بردن فشار روی سیستم بیمه‏های‏ اجتماعی که در نتیجه انتقال به‏ اقتصاد بازار و افزایش بیکاری بوجود آمده‏ بود،از اوایل 1993،شبکه‏ای‏ از دفاتر کمکهای اجتماعی و یک سیستم‏ آموزشی-حرفه‏ای برای بیکاران‏ ایجاد کرده است.

در کنار این اقدامات،دولت لاتوی‏ تغییراتی نیز در نظامهای سازمانی و قانونی‏ کشور داده است.

مهمترین اقدامی که در این بخش‏ صورت گرفت اقدام به خصوصی‏سازی‏ پس از حدود نیم قرن سیتم اداره ملی‏ بود.خصوصی‏سازی در این کشور طی سه‏ مرحله انجام می‏شود.طی مرحله اول‏ دارای‏های دولتی توسط شهرداری‏ها سپرده می‏شوند تا به فروش برسند.این‏ مرحله تقریبا به اتمام رسیده است.

در مرحله دوم زمین‏ها،خانه‏ها و شرکتها باید به صاحبان یا وارثان قبلی‏ خود باز گردانده شوند در مرحله آخر نیز کلیه‏ دارایی‏های دولت و شهرداری‏ها به فروش‏ خواهد رسید.

دولت لاتوی همچنین در جهت ترویج‏ هرچه بیشتر و بهبود فعالیتهای تجاری‏ قانون ضدانحصارات را در دسامیر سال‏ 1991 تصویب نمود و در فوریه سال 1993، شورای قیمت و تعرفه بوجود آمد تا برای‏ کالاها و خدماتی که دارای انحصار طبیعی‏ هستند و یا مستقیما تحت کنترل دولت‏ می‏باشند قیمت تعیین کند.

\*لیتوانی

لیتوانی جنوبی‏ترین کشور در ساحل‏ شرقی دریای بالتیک است که سه میلیون‏ و هفتصد هزار نفر جمعیت دارد.این‏ کشور پایتخت خود را از کائوناس‏ ( KAUNAS )به ویلنیوس( VILNIVS ) تغییر داد و در سال 1990 اعلام استقلال‏ کرد.سپس از آن در 29 آوریل سال 1992 به عضویت صندوق بین المللی پول‏ درآمد.

لیتوانی نیز مانند لاتوی طی سالهای‏ 1919 تا 1940 اقتصادی بر پایه‏ بازار داشت و 4/3 جمعیت آن در بخش‏ کشاروزی فعالیت می‏کردند.پس از تسلط روسها،تمام زمینها،املاک و سایر دارایی‏ های خصوصی،ملی شدند.تا اوایل دهه‏ 1950 اقتصاد به سوی صنایع سنگین‏ مرتبط با دستگاههای برنامه‏ریزی‏ متمرکز جهت‏گیری کرد.این تغییرات‏ باعث شد که لیتوانی نیز مانند استونی‏ و لاتوی به سایر جمهوری‏های‏ اتحاد شوروی هم به عنوان منبع‏ داده‏ها(واردات)و هم به عنوان بازار تولیدات(صادرات)وابستگی شدیدی‏ پیدا کند بطوریکه 88 درصد تجارت‏ خارجی آن با همان جمهوری‏ها انجام‏ می‏شده است.

مهمترین اقداماتی که دولت لیتوانی‏ در جهت تثبیت اقتصادی و تجدید ساختار جامعه،در بعد کلان اقتصادی به انجام‏ رسانده است عبارتند از:

\*سیاست پولی.هدف اصلی این‏ سیاست نرخ تورم در سال 1993 بوده‏ است.هدف دیگر دولت تجدید بنا، خصوصی‏سازی و تقویت سیستم بانکی کشور بوده است.

\*سیاست ملی.در اینجا هدف دولت‏ متوزان نگه داشتن بودجه طی سال 1993 بوده است.اقدامات لیتوانی مانند استونی‏ و لاتوی محدودیت‏های زیادی‏ بر اعتبارات اعطایی به دولت از سوی‏ سیستم بانکی ایجاد کرده است.مقامات‏ این کشور اکنون می‏کوشند با ایجاد یک‏ بازار اوراق قرضه دولتی دولتی یک منبع‏ مالی غیرپولی برای دولت فراهم آورند.

\*سیاست ارزی.لیتوانی در اول‏ اکتبر سال 1992 گردش روبل را متوقف‏ ساخت.طی ماههای اکتبر تا نوامبر همان‏ سال ارزش پول ملی جدید یعنی تالونا ( TALONA )نسبت به دلار امریکا ثابت‏ ماند اما در پایان سال و سه ماهه اول سال‏ 1993،ارزش اسمی آن شروع به کاهش‏ یافت.دولت پس از ان سیاست پولی‏ انقباضی در پیش گرفت(می 1993).

در نتیجه ارزش پول در بازارهای از اندکی‏ تقویت شد.از جولای سال 1993،لیتا ( LITA )تنها پول قانونی در لیتوانی اعلام‏ شد.

\*سیاست درآمدی.لیتوانی‏ نیز مانند استونی و لاتوی با کنترل‏ دستمزدهای و در بخش عمومی سعی در کنترل‏ تورم و جلوگیری از تغییرات نامطلوب رابطه‏ مبادله خارجب دارد.مقامات این‏ کشور مستمرا اظهار داشته‏اند که شکست‏ در کاهش دستمزدهای واقعی می‏تواند مشکلات مالی شرکتها و تولیدکنندگان‏ را وخیم‏تر سازد که این خود منجر به کاهش‏ بیشتر تولیدات،اشتغال و درآمدها خواهد شد.

به غیر از موارد فوق،دولت لیتوانی‏ تغییراتی در کل ساختار اقتصادی‏ بوجود آوره است که از ان جمله می‏توان‏ موارد زیر را نام برد:

\*آزادسازی قیمتها.کلیه کنترل‏ها بر قیمت کالاها و خدمات-البته به جز انرژی و تعداد اندکی از کالاها و خدمات که‏ از نظر دولت و بدلیل ملاحظات اجتماعی‏ و یا وضعیت انحصاری کنترل آنها لازم بوده‏ است-لغو شد.در کنار آزادسازی‏ قیمتها دولت همچنان به هزینه‏های بابت‏ تامین حرارت و سایر هزینه‏های انرژی‏ سوبسید پرداخت می‏نماید.با این حال‏ بودجه دولت متوازن باقی مانده است.اما تا پایان سال 1992 که قیمت کالاهای‏ وارداتی افزایش یافت،مصرف‏کنندگان‏ داخلی نیز با بالا رفتن شدید قیمتها در داخل‏ مواجه شدند.

\*تغییر قوانین ارزی و تجارت خارجی.

بازار ارزی طی چند سال گذشته به میزان‏ قابل توجهی از آزادی عمل برخوردار بوده‏ است.در این میان 18 بانک اجازه‏ یافتند تا معاملات ارزی انجام‏ دهند.بانکها اکنون آزادند که نرخ معاملات‏ خود را به تنهایی اعلام کنند.

برای واردات نیز هیچگونه محدودیت‏ مقداری وجود ندارد(البته به جز کالاهایی‏ که برای امنیت و یا بهداشت ملی‏ خطر دارند)و همه واردات مسئول یک‏ تعرفه واحد به میزان 5 درصد هستند.تعرفه‏های صادراتی‏ نیز بین صفر تا 45 درصد هستند و نرخهای‏ بالاتر بر کالاهایی اعمال می‏شود که‏ همچنان سوبسید دریافت می‏کنند و یا هنوز تحت کنترل قیمتی هستند.

\*کاهش سوبیسدها.دولت لیتوانی برای‏ دستیابی به یک بودجه متوازن،بسیاری‏ از مخارج اجتماعی خود را طی سال 1992 قطع کرد.تقریبا تمام‏ سوبسیدها نیز چیده شدند.البته به‏ جز برخی کالاها که از نظر اجتماعی اهمیت‏ داشته مانند زغال سنگ و نفت گرچه‏ قرار است که به زودی سوبسید آنها نیز قطع‏ شود.

همراه با تغییرات قوق،لازم بود تا در نظام‏ سازمانی و حقوقی لیتوانی نیز تغییراتی‏ صورت پذیرد.از آن جمله توسعه فعالیتهای‏ تجاری بود.دولت در این زمینه موانع‏ قانونی ایجاد شرکتهای جدی را لغو کرد و به‏ توزیع‏کنندگان کالا نیز اجازه داد تا بدون‏ هیچ محدودیت جغرافیایی به تجارت‏ بپردازند.قوانین مربوط به ورشکستگی‏ نیز از اواسط سال 1992 به مورد اجرا گذارده‏ شدند.حقوق مربوط به دارایی‏های‏ خصوصی نیز تصویب شدند و بازپس‏دهی‏ زمین‏ها از سال 1993 آغاز شد.مهمترین‏ اقدامی که دولت لیتوانی انجام‏ داد.خصوصی‏سازی بود.در سال 1993، تقریبا 1900 شرکت کوچک که بیش‏ از 80 درصد از کل شرکتها را تشکیل‏ می‏دادند از طریق حراج به فروش‏ رفتند.شماری از شرکتهای متوسط و بزرگ‏ نیز از طریق فروش سهام به عموم مردم، خصوصی شدند.گرچه هنوز بخش‏ عمده‏ای از اقتصاد در بخش عمومی باقی‏ مانده است،اما روند خصوصی‏سازی‏ همچنان ادامه دارد.

بدین ترتیب کشورهای کوچک بالتیک، در کمتر از 4 سال توانستند قدمهای بزرگی‏ به سوی اقتصادهای توسعه یافته‏ و بازارگرا،بردارند.اما آنچه که بیش از این‏ اهیمت دارد.ادامه اجرای برنامه‏های‏ تجدید ساختار و تثبیت اقتصادی است.این‏ کشورها باید دوران انتقال خود را پشت‏ سر بگذارند تا بتوانند با اقتصاد جهانی‏ هماهنگ شوند و هرچه بتوانند این مرحله‏ را با وجود تمام مشکلات و فشارهای‏ اقتصادی،سریعتر طی کنند.در آینده‏ با مشکلات کمتری مواجه خواهند بود.

منابع:

THE BALTIC STATES IN-1 TRANSITION,JOHN M. STARRELS,IMF,1993.

ESTONIAN EXPORT-2 DIRECTORY 1996 ESTONIAN CHAMBER OF COMMERCE AND INDUSTRY 1996.

ESTONIA,LATVIA-3 LITHUANIA,ECONOMIC REVIEWS,IMF 1994.